

حکمت مقوم هویت انسان است/ کاربردهای دنیوی علوم در مقایسه با حکمت

چهره ماندگار فلسفه با اشاره به اهمیت حکمت در مقایسه با سایر علوم بیان کرد: علوم مختلف برای استفاده دنیوی و کاربرد آنها برای دنیا است و وقتی انسان به قبر رفت، تنها علمی که با انسان می‌ماند و او را به معنای واقعی کلمه انسان می‌کند، حکمت است، چراکه علم مطلق محسوب می‌شود.



چهره ماندگار فلسفه با اشاره به اهمیت حکمت در مقایسه با سایر علوم بیان کرد: علوم مختلف برای استفاده دنیوی و کاربرد آنها برای دنیا است و وقتی انسان به قبر رفت، تنها علمی که با انسان می‌ماند و او را به معنای واقعی کلمه انسان می‌کند، حکمت است، چراکه علم مطلق محسوب می‌شود. به گزارش خبرنگار ایکن؛ نشست رونمایی از کتاب «آفاق فکرت در سپهر فطرت» امروز، ۸ دی ماه با حضور اندیشمندان و علاقه مندان در کافه کتاب ققنوس برگزار شد.

غلامرضا اعوانی، چهره ماندگار فلسفه در این نشست بیان کرد: ایران قبل و بعد از اسلام همواره مهد حکمت بوده و مراد از حکمت نیز نور الهی است. همه علوم در عرض هم هستند، موضوع مشخصی دارند و وجود را از زاویه مشخصی بررسی می‌کنند، مثلاً ریاضی وجود را از ناحیه کمّ بررسی می‌کند و ... ، اما یک علم مطلق داریم که این علم مطلق، نور مطلق نیز هست و این نور مطلق، عبارت از حکمت است.

وی تصریح کرد: همچنین باید توجه داشت که حکمت مشترک لفظی نیست و ما حکمت را در همه زبان‌ها به یک معنا به کار می‌بریم و به یک لفظ ترجمه می‌کنیم و اینطور نیست که مشترک لفظی باشد. بنابراین، حکمت، علم مطلق و نور مطلق است، چنانکه در روایت فرمود «العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء» و این حکمت نور مطلق است. دین نیز بر مبنای حکمت است. در حقیقت، در میان همه تمدن‌ها، این یک کمال بود که مسلمانان حکمت یونان را گرفتند. غرب نیز وارث حکمت یونانی نبود و این به تشویق قرآن بود که مسلمانان حکمت را فرا بگیرند، همچنان که در روایات ما نیز این مضمون وارد شده و نسبت به فراگیری حکمت تأکید شده است. حکمت نیز چیزی است که به معنای واقعی کلمه انسان را حکیم و انسان می‌کند.

این چهره ماندگار فلسفه در ادامه افزود: علوم مختلف، برای استفاده دنیوی است و کاربرد اینها برای دنیا است و وقتی انسان به قبر رفت، تنها علمی که با انسان می‌ماند و او را به معنای واقعی کلمه انسان می‌کند، حکمت است، چراکه علم مطلق محسوب می‌شود.

ایران؛ تنها کشور اسلامی که به حکمت توجه داشته است اعوانی بیان کرد: در میان تمام کشورهای اسلامی تنها کشوری که به حکمت توجه داشته نیز ایران بوده است، چه اینکه در دیگر کشورها به تفکر اشعری توجه شده است و به عنوان اصول عقاید این تفکر را تدریس می‌کردند. بنابراین هیچ کشور اسلامی به غیر از ایران حکمت ندارد و تنها جایی که حکمت وجود داشته و حکمای بزرگی هم در آن بوده اند، ایران بزرگ فرهنگی است.

وی در ادامه افزود: فارابی، ابن سینا، خواجه نصیر و حتی مخالفان حکمت نیز از ایران بوده اند، اما ایرانیان، صحبت مخالفان را نپذیرفتند و راه حکمت ادامه یافت و دین را نیز به معنای حکمت فهمیدند. در قرآن نیز انبیا(ع)، معلمان حکمت معرفی شده اند و فهم کتاب نیز بدون حکمت امکان ندارد. بنابراین تمام انبیا(ع)، معلمان حکمت هستند و کاری که حکمای ما کردند نیز چند چیز است.

اعوانی تصریح کرد: یکی از آن کارها این بود که میان حکمت رسمی و ایمانی جمع کردند و دین را نیز حکمت دانستند که این تفکر از اسلام به غرب رفت. در حقیقت از فارابی شروع شد و ابن سینا آن را تکمیل کرد و ابن سینا در تقسیماتی که از علوم دارد، حکمت عملی را شریعت می‌داند و کتاب دهم شفا را نیز با نبوت آغاز می‌کند.

وی در ادامه افزود: البته که تلقی دین به عنوان حکمت در دوره ای بود که باید از آن به دوره تاریکی یاد کرد. ابن سینا نیز در یکی از رساله‌های خود که به حکمت می‌رسد، بحث مدن غیرفاضله را مطرح می‌کند و می‌گوید «کسانی که به عصر ما توجه کنند، می‌بینند که تمام مدن، غیرفاضله هستند». یعنی در میان ظلمت، نوری به پا کرده است. چندین سال ابن سینا به زندان رفت و حتی خواستند او را به قتل برسانند و در این شرایط توانست چنین کار بزرگی کند. خواجه نصیر نیز کسی بود که به شبهات فخررازی و غزالی پاسخ داد. بنابراین این بزرگان توانسته اند چنین کارهای مهمی را

انجام دهند.

این چهره ماندگار فیلسوف تصریح کرد: نکته مهم این است که در غرب راه دیگری را رفتند که با ما متفاوت بود و آن هم اینکه جنبه الهی فیلسوف از بین رفته و فیلسوف در غرب دنیوی شده است و ما در حال حاضر در غرب، حکیم الهی نداریم. در تاریخ ما فیلسوف همواره با حکمت و حکمت با دین همراه بوده است. البته که در زمان های قبل تر در دانشگاهی مانند هاروارد، به دلیل تسلط پوزیتیویسم، نمی شد از حکمت حرف زد، اما الآن در دپارتمان های فیلسوف، از فیلسوف شرق نیز سخن به میان می آید.